مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۲۱ ، پاییز ۱۳۹۹جلد۳، ص ۶۰-۵۰
http://www.jase.ir

نکته های بارز کهن الگوی هادس و دیونوسوس (دنیای زیرین و شراب)

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۶۰-۵۰

کبری رحیمی[۱]، سعدالله رحیمی[۲]
[۱]کارشناس ارشد مطالعات زنان. بافت
[۲]دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. کرمان

نویسنده مسئول:
کبری رحیمی

چکیده
کهن الگو یا آرکی تایپ گرایشی ذاتی است که در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر وجود داشته و او را به سمت ویژگی های شخصیتی خاص می‌کشاند. کهن الگوی هادس یک کهن الگوی مردانه است که در اساطیر، خدای مردگان و دنیای زیرین و نماد ناخودآگاه انسان است. هادس تایپ ها، افرادی درونگرا، گوشه گیر و عمیق هستند. قلمرو هادس ضمیر ناخودآگاه انسان است. هادس فرمانروای دنیای زیرین است و زمانی که انسان به مرگ فکر می‌کند، به پایان یک زندگی، یعنی مرگ می رسد و به هادس می‌رود. فرد هادسی درونگرا، منزوی، تودار و ساکت است. تیپ شخصیتی هادس دارای درک عمیق از مسائل است و به نحوی نگاهی عاقل اندر سفیه به دیگران دارد. هادسی ارتباطات اجتماعی برایش بی معناست و تنهایی را ترجیح می‌دهد. فرد هادسی تایپ، احساس می‌کند یک فرمانروای تنهاست و آن طور که شایسته است با او رفتار نمی‌شود. مشکلات کهن الگوی هادس با خیالبافی و درونگرایی او ارتباط دارد. هادسی در جامعه و فرهنگی رشد می‌کند که با او بیگانه است و همین باعث می‌شود در دنیای کهن الگوی هادسی، محبوس بماند. افسردگی و اندیشیدن به مسائل غیر قابل حل از جمله نکته های منفی این آرکی تایپ است. دنیای کهن الگوی هادس دنیای تنهایی است. او لذت چندانی از همراه شدن با دوستانش نمی برد. برخی از آنان نیز، او را چندان در جمع خود نمی‌پذیرند. دیونوسوس خدای شراب، شادی، عرفان و عشق است که در میان رومیان، باکوس نامیده می شود. دیونوسوسی ها، حوصله ندارند، زیاد به چیزی فکر کنند و از کارهای ذهنی دوری می کنند. بی قید و آزاد هستند و تعهد دادن برایشان مانند اسارت است. آرکی تایپ دیونوسوس عارف، غرق در زمان حال است، و روحی لطیف دارد. نتیجه، بیداری متعادل کهن الگوی دیونوسوس، به رشد احساسات و لذت از زیبایی در افراد کمک می کند.

کلید واژه: آنیما، آنیموس، کهن الگو، هادس، دیونوسوس، شناخت

مقدمه

در درک و بروز آنیما و آنیموس، در تیپ شخصیت هر فرد، جنبه زنانه مردان و ویژگی مردانه زنان، نیز، مانند بیشتر مسائل دیگر، منجر به تعادل، یعنی گشایش امیدواری می رسد. برای مثال زنانی که آنیموس در آن‌ها قوی‌تر از آنیما شود یا به عبارتی انرژی مردانه آنان بیش از انرژی زنانه قدرت پیدا کند و یا در مردانی که انرژی زنانه بیش از انرژی مردانه درک و تقویت شود، روانشان از تعادل و سلامت دور خواهد شد؛ بنابراین مهم است که بتوانند روش های رسیدن به تعادل در زنانگی و مردانگی را بیابند. نکته قابل توجه این است که رسیدن به این تعادل برای هر کس متفاوت خواهد بود، ولی، اگر در این زمینه موفقیتی حاصل شود، نتیجه آن، این خواهد بود که فرد قادر خواهد شد به احساس بی نظیر یگانگی و کمال برسد. شیوه های شناخت و رسیدن به روحیه و نفس پاک، و به تعادل کشاندن آنیما و آنیموس، بستگی به پشتکار و علاقه دارد. آنیموس یا همان انرژی مردانه درون انسان به لاتین به معنای روح منطقی، هوش و قدرت ذهن است. شرایط فرهنگی و جامعه می‌تواند آنیموس درون روان زنان را محدود و سرکوب کند. یا اینکه به شکلی افراطی ایده آل های مردانه را نشانه موفقیت دانسته و آن را به زنان تحمیل کند. اگر آنیموس درون زنان از تعادل خارج شده و جنبه منفی آن پرورش یابد منجر به ایجاد صفت های شخصیتی مانند بی احساسی، بی رحمی و بی ملاحظه بودن می‌شود. در حالی که آنیموس مثبت باعث افزایش قدرت، قاطعیت و عقلانیت در زن می‌شود. در همه ۸ کهن الگوی مردان و ۷ آرکی تایپ زنان، بیشتر به نکته های آموزش شخصیت در روانشناسی پرداخته شد و سخن به میان آمد و از نکته های آموزنده اخلاقی و تربیتی اثرگذار در تیپ شخصیتی افراد هر حوزه کهن الگویی بحث شد، وگرنه، کلمه های حوزه اسطوره و اسطوره شناسی همچنان آماده غرش بر تارک کاغذ بودند، تا بزرگی خود را در نقش آفرینی ایفا کنند. نمونه بارز آن، آنجاست که از زئوس، خدای خدایان المپ نشین، به عنوان قدرت برتر یاد می شود و نه، ارباب سختگیر و سمج، که دنبال به نتیجه رساندن خواسته های خویش است؛ آن هم به هر ترفندی. نیز، در همه کهن الگوها می توان از کلمات محاوره ای که در حوزه و زمینه روانشناسی کاربرد دارند و مردمان از آشنایی با آن ها لذت می برند، استفاده کرد و دایره جهان شمولی کهن الگوها را گسترده تر ساخت، تا در فرایند شناسایی آن ها، نحوه به کارگیری و کاربردی کردن آن ها نیز، فراهم شود؛ ولی در این گفتارها و نوشته ها، از متن یافته های کارل گوستاو یونگ و شینودا بولن، استفاده و بهره گیری می شود، که در فرایند به ثمر رساندن شخصیت شناسی در حوزه روانشناسی، به همه جنبه های وجودی افراد تیپ هر آرکی تایپ توجه کامل داشته اند. کوشش برای گسترش تفکر این بزرگان، در هر اقلیم و باور ایمانی، به اشتیاق و علاقه مندی کاربران و فراگیران وابسته می شود. کهن الگوها را به دنیای خیال انگیز و رازآلودی نسبت می دهند که به دلیل پیچیدگی های معنایی و هنرورزی های زبانی، همواره از متن های راهنما و تفسیر ناپذیر به شمار آورده شده و درباره آن از جنبه های گوناگون سخن رفته است. نقد کهن الگویی آثار ادبی ار فروع نقدهای روانشناختی است که در دهه های اخیر مانند مطالعات میان رشته ای دیگر، رونق و رواج نو یافته است. این نقد به بررسی مضمون ها و تصاویر کهن الگویی در نهاد انسان می پردازد؛ راه را برای ژرف کاوی های بعدی آثار ادبی می گشاید، و نشان دهنده جهانی بودن پیام انسانی و احساسات افراد هنرمند و هنرپرور است، که بیشتر در حوزه روان اندیشی کهن الگوها و شناخت شخصیت سر و کار دارند. برخی صاحب نظران، نقد روانشناسانه را یکی از مهم ترین اقسام نقد به شمار آورده اند. در این نوع نقد، آثار ادبی براساس دیدگاه های مطرح شده در مکتب های روانشناسی، نقد و بررسی می شوند. در همین حوزه و روند پژوهش بوده است که شینودا بولن، بر کار استاد خود کارل گوستاو یونگ صحه می گذارد. در سال های اخیر نیز، پژوهش های بسیاری در زمینه نقد و تحلیل آثار ادبی با توجه به دیدگاه های روانشناختی، به ویژه، نظریه یونگ صورت گرفته است. مهم ترین بحثی که از مفاهیم مربوط به شخصیت فرد، در روانشناسی یونگ، انجام شده، مفهوم کهن الگو است. یونگ برای ضمیر انسان دو فرض در نظر دارد: خودآگاه و ناخودآگاه. او منطقه ناخودآگاه را به ناخودآگاه فردی و جمعی تقسیم کرده است. ناخودآگاه فردی، شامل تمایلات و احساسات سرکوب شده شخصی و ناخودآگاه جمعی، دربردارنده محتویات کهن و موروثی مشترک میان همه افراد بشر است، که آن ها را از اجداد و نیاکان قدیمی خود به ارث برده است. در نظریه او، محتوای ضمیر ناخودآگاه جمعی، آرکی تایپ یا کهن الگو نامیده شده است. برخی از کهن الگوهایی که به وسیله یونگ مطرح گردیده، عبارتند از: آنیما، آنیموس، پیرخرد، سایه، نقاب، جاودانگی و شادی برای روحیه بهتر زندگی. در نگرش او، زمان، مفهومی گسترده، عمیق و تا حدود بسیار زیادی ناشناخته و کهن است که از آغاز آفرینش، ذهن بشر را به خود مشغول کرده و در فرهنگ ایران و جهان سابقه ای طولانی دارد؛ به گونه ای که گاه در برخی باورهای کهن، زمان را یکی از خدایان یا حتی، خدای خدایان می دانسته اند. ازل، ابد، نامیرایی، جاودانگی، عهد الست، بهشت، چرخ، دایره و قسمت از مفاهیم مرتبط با زمان اند. این مفاهیم میراث هزاران ساله ارواح و اذهان پدران و مادران کنونی هستند که نسل به نسل در ناخودآگاه عمیق بشری حفظ شده اند و آدمی را به سر اغاز هستی پیوند می دهند. آرکی تایپ ها، گنجینه ای پربار از زمانی را در خود جای داده اند، که امروز شناخت و شناساندن آن ها، دریچه تازه ای به دنیای پر رمز و راز هستی از خود برجای می گذارند و روشی مفید و سازنده را برای روحیه افراد می گشایند. یکی از

برکات سفره پهن گستر کهن الگوها، در نهاد اساطیر، شادی است. شادی پایدار دارای دو مولفه نشاط و رضایت خاطر است. نشاط در چهره گشاده و خندان و در چالاکی اندام و رفتار جلوه می‌نماید و رضایت با آسودگی خاطر و آرامش درون معلوم می‌شود، که از دیدگاه یونگ و بولن در ضمیر شخصیتی آرکی تایپ هادس و دیونوسوس وجود دارد.

در طلبت عاشقان، گر قدم از سر کشند هیچ نپرسند بار منزل و فرسنگ را

متن

ویژگی های شخصیتی آرکی تایپ هادس، دیونوسوس (خدای درون و خدای خلسه)

کهن الگوی هادس یک کهن الگوی مردانه است که در اساطیر، خدای مردگان و دنیای زیرین و نماد ناخودآگاه انسان است. هادس تایپ ها افرادی درونگرا، گوشه گیر و عمیق هستند. شینودا بولن از روانکاوان پیرو یونگ در دو کتاب انواع مردان و انواع زنان، به معرفی کهن الگوها پرداخته است که بر اساس اسامی خدایان و خدابانوان یونان تقسیم بندی شده اند. هادس، خدای مردگان و دنیای زیرین است که هر دو نماد ناخودآگاه درون انسان هستند. او سنگدل و ترسناک، ولی، به شدت عادل است و اگر حکمی صادر کند، نمی‌شود آن را فسخ کرد. هادس شرور نیست، ولی، به خاطر شخصیت سیاه و مجهول خود، بین خدایان و انسان‌ها محبوبیت ندارد. از آنجا که خدای سرزمین مردگان و حاکم ارواح است، خود نیز، شبح مانند بوده، ولی، به شکل مردی تنومند که توانایی برافراشتن پتک آهنگری را بر بالای سر دارد، در انبوه ریش تابش دیده در نور زغال کوره آهنگری، چنان جذابیتی دارد، که در تصویر به جای مانده از او، حیف می آید، وی را ترسناک و بیرحم قلمداد کنند. ولی، این نیز، نوعی از شناخت روحیه مردان سلحشور و اساطیری است. هادس ثروتمند، ولی، گوشه گیر و منزوی است و از شاخی که در دست دارد: جواهرات، میوه، سبزیجات و چیزهایی که سبب افسوس می شوند، سرریز می‌شود. او همچنین خدای ادبیات یونان نیز، نامیده می‌شود. آریانا در کتاب رب النوع های یونانی در مورد هادس می‌گوید: هادس رب النوع حاکم بر اعماق ماست. اوست که تاریکی زندگی، افسردگی، به هم ریختگی و غم را با نیرویی که موجب روشنگری و تغییر دیدگاه می‌شود، در ما ایجاد می‌کند.! قلمرو هادس ضمیر ناخودآگاه انسان است. او فرمانروای دنیای زیرین است و زمانی که انسان به مرگ فکر می‌کند، یعنی به پایان یک زندگی، مرگ یک امید یا اتمام یک رابطه و از دست دادن چیزهایی که در این جهان کسب کرده و اکنون آن ها را از دست می دهد، و به هادس می‌رود، به فکر جمع آوری توشه آخرت می اندازد. برای کسی که ارزش خود را با یک موفقیت تعریف می‌کند، عدم موفقیت نیز، می‌تواند او را به هادس بکشاند. روزهایی که برخی از افراد، در زندگی دچار غم و اندوه می شوند و افسردگی یا اضطراب را تجربه می کنند، نیز، هادس در کنار آنهاست و البته آنان را کمک می‌کند که با فرو رفتن در تاریکی، نور را بیابند. این کهن الگو بسیار ناشناخته است. به طور کلی ورود به دنیای هادس داوطلبانه نیست و نتیجه ناامیدی از جهان روشنایی است. هادس آن بخش سرکوب شده شخصیت انسان است که طغیان آن می‌تواند آسیب زا باشد. کهن الگوی هادس در دنیای زیرین و به دور از اجتماع زندگی می‌کند. در واقع آنچه در دنیا رخ می‌دهد، برای او اهمیتی ندارد و شاید به نحوی دچار افسردگی شده باشد. خلوت گزینی هادس می‌تواند منبعی برای خلاقیت باشد و به عنوان بخشی از ماهیت انسان، او را بهتر از قبل کرده و واکنش های روانی او را تحت تاثیر قرار دهد. او سایه کهن الگوی پدر بوده و شخصیتی پدرسالارانه دارد که در نتیجه آن می‌تواند فرمانروایی مقتدر باشد. نام دیگر هادس مشاور خوب است. او منبع خوبی از دانش ذهنی است که به شکل یک ندای درونی به فرد در انتخاب ها و واکنش ها کمک می‌کند. زمانی که باید تصمیم مهمی در زندگی گرفته شود، تنها خود فرد هست که می‌تواند با توجه با تجربیات، ارزش های ذهنی و درونی خود بهترین انتخاب را داشته باشد که شاید مطابق با نظریه های دیگران نباشد. این کهن الگو فعالیت افراد در اجتماع را تحت تاثیر قرار داده و حضورش در جمع هم برای خودش و هم برای اطرافیان ممکن است، احساس بدی ایجاد کند. هادس ظرفیتی است که به شکل گیری و پرورش عشق های نامرئی کمک می‌کند. او می‌تواند همبازی کودکی یا عشق خیالی یک زن بالغ باشد که او را به گفتن شعر یا بریدن از دنیا و قطع ارتباط با دیگران وامی‌دارد. از طرف دیگر، یک مرد هادسی منزوی ممکن است یک معشوق خیالی داشته باشد که می‌تواند مرز بین خیال و واقعیت را در ذهن او دچار اختلال کند و باعث شود در ارتباط با زنی واقعی، رفتاری ناخوشایند داشته باشد. این کهن الگو ممکن است بعد از یک اتفاق ناگوار یا ضربه روحی در فرد بیدار شود. فضای این کهن الگو تاریک و سنگین است.

گرچه راهی است پر از بیم ز ما تا بر دوست رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی

مهم‌ترین ویژگی کهن الگوی هادس سرد بودن و در عین حال عمیق بودن شخصیت آن است که موجب دردهای درونی و درک عمیق از زندگی می‌شود. این کهن الگو نمادی از غم و اندوه و تنهایی است و انرژی آن در خیلی از فلاسفه و عرفا حضور دارد. مرد هادسی اگر وابستگی مالی یا خانوادگی نداشته باشد، ترجیح می‌دهد به شکلی منزوی و دور از اجتماع زندگی کند. او اگر از لحاظ مالی بتواند نیازهای اولیه خود را

تامین کند، ترجیح می‌دهد کسی کاری به کارش نداشته باشد و تنها زندگی کند. فرد هادسی درونگرا، منزوی، تودار و ساکت است. درکش از مسائل عمیق است. ارتباطات اجتماعی برایش بی معناست و تنهایی را ترجیح می‌دهد. هادسی ها برای رسیدن به آنچه که می‌خواهند خود را درگیر قواعد دست و پاگیر بیرونی نکرده و وابستگی برایشان ضعف به حساب می‌آید. افراد هادسی از تماس فیزیکی با دیگران گریزانند و از هرچه آنان را به دنیای مادی متصل کند، دوری می‌کنند. وقتی کسی بیش از حد به یک فرد هادسی نزدیک شود گویی وارد درون او شده و این او را آزار می‌دهد. آنان بیشتر برای انجام کاری، منتظر نشانه ها می‌مانند و تا اطمینان نداشته باشند، دست به کاری نمی‌زنند، زیرا، نمی‌خواهند تاثیر نامناسبی از خود در جهان به جا بگذارند، و این باعث می‌شود در نظر دیگران منفعل به نظر برسند. از آنجا که بیشتر اوقات ساکت هستند و اهل تعامل و مکالمه با اطرافیان نیستند، به خوبی به وسیله دیگران و حتی، خانواده خود شناخته نمی‌شوند و گاهی رفتارها و واکنش های ناشی از عدم شناخت از ایشان، آنان را بسیار متعجب می‌کند. هادسی ها به طور عادی سر به زیر هستند و به نظر می‌رسد از اتفاقات اطرافشان بی خبرند؛ در حالی که بیش از دیگران از آنچه در حال رخ دادن است درک و اطلاعات دارند. فرد هادسی تایپ، احساس می‌کند یک فرمانروای تنهاست و آن طور که شایسته است با او رفتار نمی‌شود. از نظر آن‌ها قدرت تشخیص آدم‌ها بسیار ناچیز و محدود است و گاهی ناامیدی از انسان‌ها آنها را به درون دخمه و کاخ پادشاهی خود می‌کشد تا از مردم زنده نادان دور شوند. سفر به درون خود و دوری از سایرین، آن‌ها را به عمق برده تا به حقیقت وجودی خود دست یابند و به نور واقعی برسند. این دوری گزینی و دستیابی به آگاهی دوباره به آن‌ها برای بازگشت به زندگی با زندگان نیرو می‌دهد. هادسی ها از این که آنان رشد کرده اند و دیگر انسان‌ها هنوز درگیر مسائل پیش پا افتاده هستند، تعجب می‌کنند. شخص هادسی بر خلاف آنچه که به نظر می‌رسد، می‌تواند ارتباط عاطفی عمیقی با اطرافیان خود برقرار کند. با این حال، فرد هادسی در ابراز احساساتش توانمند نیست. یک زن پرسفونی ساده و سرخوش می‌تواند احساسات او را درک کند. در اسطوره نیز، هادس عاشق پرسفون، الهه دختر شده و او را ربوده و به دنیای زیرین می‌برد. پرسفون نیز، در گذر زمان، عاشق این زندانبان خود می‌شود؛ چیزی شبیه دیو و دلبر. در واقع، هادسی دلی مهربان دارد و می‌تواند ارتباط خوبی با زنان داشته باشد. در جامعه جاری افراد هادسی چندان پذیرفته نمی‌شوند، بی عملی آنان تقبیح شده و دوره های هادسی و گوشه گیری‌شان به افسردگی تعبیر می‌شود. اگر کسی تنها تحت تاثیر کهن الگوی هادس باشد، نمی‌تواند به طور عادی زندگی کرده و با دیگران تعامل داشته باشد. یک کودک درونگرا و خجالتی که چندان علاقه ای ندارد به قله موفقیت برسد و ترجیح می‌دهد در دنیای درون خود بماند و تاثیر زیادی نیز، روی دیگران ندارد، از روحیه آرکی تایپ هادس برخوردار است. رفتارهای این کودک نامرئی شبیه نشانه های اوتیسم است؛ از تنها بودنش لذت می‌برد و با دوستان خیالی خود بازی می‌کند. او اعتماد به نفس پایینی دارد، ولی، اگر به جای اینکه غیر معمولی بودنش مورد تمسخر قرار گیرد، به او محبت و توجه شود، می‌تواند به اطرافیان و روابط خود اعتماد کند. برای کهن الگوی هادس نوجوانی ساده نیست؛ زیرا، باید خود را با جامعه و دنیای بیرون تطبیق دهد. هادسی بیشتر به سمت افکار فلسفی کشیده می‌شود، دوستان کمی دارد و اهل مد روز و این مسائل نیست و غرق شدن در مسائل روزمره را سطحی و زندگی دروغین می‌داند. او برای ادامه زندگی به دلایلی اساسی نیاز دارد وگرنه، زندگی و بودن با زندگان برایش بار سنگینی است که حتی، ممکن است به آن خاتمه دهد. او در دوران تحصیل، استعداد خوبی در تحلیل مسائل دارد، ولی، به دنبال درس های رقابتی نیست. در دروس هنر و علوم انسانی موفق‌تر بوده و می‌تواند آثار هنری عمیقی از خود به جا بگذارد. برای اینکه یک هادسی وارد دانشگاه شود، نیاز است تا دیگر کهن الگوها را در خود پرورش دهد. منطق کهن الگوی آپولو و ویژگی های برونگرایی هرمس می‌تواند به او کمک کند تا بهتر بتواند با جامعه ارتباط برقرار کرده و در تحصیل موفق شود. او می‌تواند در یک حرفه موفق شود؛ به شرطی که کار و نوع زندگی اش معنای خود را برایش از دست دهد. درک قید و بندهای سازمان‌ها برای او سخت است و ترجیح می‌دهد تنهایی کار کند. مشاغلی مثل روانشناسی، فیلم سازی، ادبیات و هنر می تواند برای هادس تایپ ها جذاب بوده و به آن‌ها علاقه مند شوند، زیرا، می توانند معناگرایی خود را در آن ها ارضا کنند. هادسی اگر بتواند هرمس را در خود پرورش دهد از دنیای درونی خود بیرون آمده و موفقیت بیشتری خواهد داشت. زندگی یک فرد هادسی در مقایسه با سایر کهن الگوها بیشتر به عوامل محیطی و رشد دیگر آرکی تایپ‌ها در او وابسته است، به همین جهت میانسالی آن‌ها می‌تواند با هم متفاوت باشد. اگر او یک هادس تایپ خالص باشد، چون توانایی برقراری ارتباط با دنیای بیرون را ندارد، به طور طبیعی در طبیعت درگیر خود، در تنهایی زندگی خواهد کرد. این الگو تا پیری، در او ادامه یافته و ارتباط با دنیای درون و ناخودآگاه جمعی باعث می‌شود از مرگ هراسی نداشته باشد. هادسی ها به مرور ارتباط و وابستگی خود با دنیای بیرون را کم کرده و در دنیای درون به احساس آرامش می رسند. دنیای کهن الگوی هادس، دنیایی منزوی است، و لذت چندانی از همراه شدن با دوستانش نمی‌برد. البته، او در عین متفاوت بودن، بسیار مقتدر است و هرگز یک قربانی نخواهد بود. ممکن است دوستان کمی بتوانند به دنیای او راه پیدا کنند. اگرچه، هادسی نامرئی جلوه دارد، ولی، می‌تواند برای زنان جذاب باشد. او می تواند با زنی که درکی از دنیای درون دارد، ارتباط عمیقی برقرار کند. رابطه جنسی و فیزیکی برایش بی معناست و در ذهن

خود می‌تواند بهترین روابط را به تصویر کشیده و لذت ببرد. یک مرد هادس تایپ ممکن است سال‌ها به یک دختر علاقه داشته باشد، ولی، جرات نکند احساسات خود را بیان کند. او یا کسانی را واسطه خواهد کرد و یا عشقش را از دست داده و بر غم و اندوه دائمی اش افزوده خواهد شد. او دوست دارد تشکیل خانواده بدهد و اگر کسی را بیابد که یکدیگر را دوست داشته باشند، ازدواج می کند. اگر ازدواج نکند تنها و بی کس خواهد بود و ازدواج می‌تواند او را از انزوا بیرون بیاورد. او همچنین می‌تواند امور دنیای بیرون را به همسرش بسپارد. برای یک هادسی سخت است که ابتدا با کسی دوست شده و بعد با او ازدواج کند. او روابط پیچیده ای با زنان دارد؛ خیلی ساده ممکن است تارک دنیا شود و یا از طرف دیگر به شدت عاشق زنی شده و رابطه ای صادقانه و وفادارانه داشته باشد. او همسرش را بدون قید و شرط دوست داشته و او را مورد توجه و حمایت، به ویژه، حمایت روحی روانی قرار می دهد. او هنگام رابطه نزدیک با زنان می‌تواند به حالت دیونوسوسی در آمده و عشق و شادی فراوانی را تجربه کند. کهن الگوی هادس ویژگی های پدرسالارانه دارد، احساسات خود را بروز نداده و به نظم اهمیت زیادی می‌دهد. او می‌تواند به فرزندانش در دستیابی به معنی و غنای زندگی و پرورش تخیل کمک کند، ولی، نمی‌تواند برای آنان راهنمای خوبی برای موفقیت در جامعه باشد. او پدری غمگین است که برای فرزندانش کتاب خوانده و از تخیلات خود می‌گوید. فرزندان درونگرا ارتباط بهتری با او خواهند داشت.

از تو تا مقصد اگر شوقت به ره باشد دلیل گر مسافت صد بیابان است یک منزل شود

یک هادسی باید تمرین کند تا بتواند در دنیای بیرون و بر روی زمین زندگی کند و قابل دسترس باشد. همراهی یک زن مناسب با هادس می‌تواند بخش آنیما، یعنی جنبه زنانه یک انسان، او را بیدار کند. پرورش کهن الگوی هرمس، به یک هادس تایپ کمک می‌کند تا دیگران بهتر بتوانند او را درک کرده و بشناسند. همچنین اینگونه می‌تواند با دیگران بهتر ارتباط برقرار کند. اگر تحصیلات عالیه داشته باشد، می‌تواند کهن الگوی آپولو را در خود پرورش داده و برنامه ریزی و تفکر، منطق سالم بودن را وارد زندگی اش کند. هادسی باید روشی را بیابد تا بتواند افکار منفی خود را کنترل کند. باید سعی کند روابط اجتماعی خود را تقویت کرده و از نشاط ناشی از کنار دیگران بودن لذت ببرد. افرادی که کهن الگوی هادس در آن‌ها فعال نباشد با دنیای درونی خود هیچ آشنایی ندارند. آنان به ارزش های این آرکی تایپ و فرصت هایی که درونگرایی می‌تواند ایجاد کند، آگاه نبوده و در به کارگیری آن ناتوانند، بنابراین، زنده کردن متعادل انرژی این آرکی تایپ می‌تواند تاثیر مثبتی بر شخصیت انسان داشته باشد. در این زمینه به کارگیری توصیه هایی می‌تواند به یک فردی که پیرو تیپ شخصیتی هادسی است، کمک کند، تا نگرش خود به مرگ را تغییر بدهد، و ترس خود را از مرگ، با فکر کردن به مرگ و دیدن مرده ها کم کند. هادسی به غرایز و رفع نیازهایی چون خوردن، خوابیدن و با دیگران بودن بیش از حد اهمیت نمی دهد. او خود و دیگران را سفارش می کند و می گوید: عمیق‌تر بیندیشد و به معنای زندگی و اتفاقات بیشتر بپردازد. گاهی فیلسوفانه فکر کنید و به دنبال چرایی باشید. کمتر حرف بزنید و سخنان بیهوده نگویید؛ و به دنبال کلمات با ارزش باشید. ارزش ها و ضد ارزش های جامعه را دوباره بررسی کنید و ارزش های واقعی و معنادار زندگی را بیابید. پرورش هادس به انسان کمک می‌کند تا بتواند متوجه جنبه های عمیق زندگی شده و استعدادهای درونی خود را در ادبیات و نوشتن و ایده پردازی بروز دهد.

من که عیب توبه کاران کرده باشم بارها توبه از می، وقت گل دیوانه باشم گر کنم

هادسی، بعد از کمی تفکر، می افزاید:

من که از یاقوت و لعل اشک دارم گنج ها کی نظر در فیض خورشید بلند اختر کنم

کهن الگوی دیونوسوس یک الگوی شخصیتی در ناخودآگاه جمعی بشر است که نماد آن دیونوسوس خدای شراب، خلسه و عرفان در یونان باستان است. کهن الگو یا آرکی تایپ، گرایشی ذاتی است که در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر وجود داشته و او را به سمت ویژگی های شخصیتی خاص می‌کشاند. انرژی همه کهن الگوها می‌تواند هم در زنان و هم در مردان موثر باشد. با این حال شینودا بولن، روانشناس تحلیلی، چندین کهن الگوی زنانه و مردانه را معرفی کرده که نماد آن‌ها خدایان و خدابانوان یونان باستان هستند. در این کهن الگوها، کهن الگوی دیونوسوس، که با رشد و تقویت روان شخصیتی افراد پیرو آن، می تواند برخی را سازگار با دیگر آرکی تایپ ها کند، در زمره کنکاش های یونگ و بولن بوده است. دیونوسوس خدای شراب، شادی، عرفان و عشق است که در میان رومیان، باکوس نامیده می‌شود. او تنها خدایی است که از یک مادر فانی متولد شده و بین خدایان و انسان، ستوده ترین ایزد بود. مادر دیونوسوس پیش از تولد او مرد و زئوس برای محافظت از او در برابر دشمنی و حسادت هرا، ایزد بانوی ازدواج، او را به خاله اش سپرد تا مانند یک دختر فرهمند بزرگ شود. سپس، زئوس او را به پریان زیبارو سپرد، و دیونوسوس از آن‌ها، رمز و رازهای طبیعت و روش درست کردن شراب را آموخت. در برخی از مناطق یونان باستان زنان، دیونوسوس را می‌پرستیدند. دیونوسوس تنها فرمانروایی بود که به جای کوشش برای تسلط بر زنان آنان را نجات می‌داد. قلمرو او عشق ورزی و

رقص است. کهن الگوی دیونوسوس سرشار از احساسات متناقض است. او نکته های مثبت و منفی زیادی دارد، تا جایی که این آرکی تایپ را هم می‌توان در میان عرفا و هم در میان قاتل‌ها مشاهده کرد.! در واقع زنان و مردانی که به دنبال لذت، شادی و هوس‌های متناقض هستند، تحت تاثیر این کهن الگو قرار دارند.

اوقات خوش آن بود که با دوست بسر رفت باقی همه بی حاصلی و بی خبری بود

دیونوسوس خود را خاص و یک کودک الهی می‌پندارد و همین سازگار شدن او با زندگی عادی را دشوار می‌کند. او غرور کاذبی دارد که باعث می‌شود بیش از حد خود را مهم بداند. وجه عرفانی دیونوسوس به توانایی او در رویابافی بازمی‌گردد. ویژگی که بیشتر دخترانه نامیده می شده و پسرها از کودکی برای سرکوب آن تشویق می شوند. کهن الگوی دیونوسوس فرد را وامی دارد که در احساسات خود غرق شده و وظایف خود را نادیده بگیرد. دیونوسوسی دوست دارد همیشه جوان بماند و به سمت موسیقی و موادی که برایش توهم ایجاد کند، تمایل پیدا می‌کند. این کهن الگو به خوبی می‌تواند با زنان ارتباط برقرار کرده و حالت ها و احساس های آن‌ها را درک کند. دیونوسوسی پیوندی عمیق با مادربزرگ خود دارد و حس مادرانه زنان را برمی‌انگیزد. در واقع زن ایده آل دیونوسوسی ها کسی است که همزمان بتواند هم معشوقشان باشد و هم مادرشان. بیدار شدن کهن الگوی دیونوسوس در یک فرد می‌تواند به شمن بودن او کمک کند. شمن اصطلاحی است که قبایل بومی آمریکا برای افرادی به کار می‌بردند که رابط بین دو عالم، یعنی عالم مادی و عالم نادیدنی بودند. در این قبایل اگر قرار باشد مردی شمن شود، از کودکی با زنان بزرگ شده و گاهی لباس دخترانه می‌پوشد، به این ترتیب در روان او حالات مردانه و زنانه، هر دو شکل می‌گیرد؛ دو جنسیتی روانی به فرد کمک می‌کند، احساس های زنانه و مردانه را تجربه کند. این کهن الگو اگر در زنان بیدار شود آنان را به لذت بردن از زندگی و خوشگذرانی دعوت می‌کند. آرکی تایپ دیونوسوس تضادهای بسیاری دارد که می‌تواند از آن‌ها عبور کند. او می‌تواند یک لحظه عاشق و چند دقیقه بعد، بی خیال باشد. تمایل های دیونوسوس اگر در یک فرد با شخصیت ضعیف و به صورت افراطی ظاهر شود، می‌تواند هم روی زندگی خود فرد و هم روی زندگی اطرافیان او تاثیر منفی بگذارد. افراد دیونوسوسی در رویاهای خود چیزهای مختلف می بینند که نماد درون متضادشان است. کهن الگوی دیونوسوس باعث می شود فرد گاهی در انتخاب هایش دچار تردید باشد. تضادهای موجود در روان فرد دیونوسوسی موجب تمایلات متضاد در فرد می شود، برای مثال، او هم بودن با معشوقش را می‌خواهد و هم تمایل دارد او را ترک کند. هرا خدابانوی ازدواج یکی از دشمنان دیونوسوس است؛ زیرا، تمایلاتشان به طور کامل متفاوت از یکدیگر است. هرا ازدواج را یک تعهد همیشگی می‌داند، ولی، دیونوسوس باعث می‌شود زنان نقش همسر بودن در ازدواج را فراموش کنند.

منزل جان است گیسویت از آنجا هر نفس جذبه ای می آید و جان را به منزل می کشد

یک دیونوسوسی بیش از حد زنانه، صوفی منش، ضد فرهنگ رایج و یا بیش از حد جذاب است. او دیگران را نیز، به عیش و نوش دعوت کرده و زندگی معمول دنیوی را به هم می‌ریزد. اکثر افراد انرژی این کهن الگو را در دوران نوجوانی و جوانی در خود احساس می‌کنند. پوشیدن لباس های خاص و رنگی، انجام کارهای مخالف قواعد جاری جامعه، مثل فرار از مدرسه یا امتحان کردن مواد نیروزا در این دوران از تاثیرات دیونوسوس است. کهن الگوی دیونوسوس تمایلات و ویژگی های مردانه و زنانه را با هم دارد. مردان دیونوسوسی رفتاری متفاوت با الگوهای رایج مردانه دارند؛ یا خیلی زنانه رفتار کرده یا خیلی اهل عرفان و سیر و سلوک هستند؛ در عین حال ممکن است خیلی جذاب و فریبنده باشند. در این کهن الگو هدفمندی، نظم و تعهد در روابط اهمیت ندارد. دیونوسوسی، خلقش بی ثبات است و لحظه ای کاملا ناامید از زندگی و مدتی بعد خوشحال و امیدوار است؛ آن‌ها ممکن است زندگی روزمره را رها کرده و مشغول به خلسه یا معاشقه شوند.

خوش بود لب آب و گل و سبزه و نسرین افسوس که آن گنج روان رهگذری بود

دیونوسوسی ها، از درون احساس می‌کنند از بقیه بالاتر و برتر بوده و بلند مرتبه هستند و از این که در میان انسان های نادان گیر افتاده اند، رنج می کشند، البته، این تنها یک احساس درونی است و برای اثبات آن کاری نمی کنند. پیروان این تیپ شخصیتی حوصله ندارند زیاد به چیزی فکر کنند و از کارهای ذهنی دوری می کنند، آنان بی قید و آزاد هستند و تعهد دادن برایشان مانند اسارت است. کهن الگوی دیونوسوس فرد را به پوشیدن لباس‌های خاص و متفاوت، استفاده از زیورآلات زیاد و بلند کردن موها ترغیب می‌کند. آن‌ها تمایل زیادی به از خود بی خبر شدن و خلسه دارند و برای رسیدن به این حالت ها بسته به شرایط و نوع شخصیتشان ممکن است از روش‌های مختلفی استفاده کنند؛ از مدیتیشن گرفته تا استفاده از مواد روانگردان و مشروبات غیرمجاز. دیونوسوسی‌ها به عرفان و معنویات علاقه مند هستند و گرایش زیادی به ناشناخته ها دارند. یک دیونوسوسی رابطه خوبی با دوستانش دارد، دوستانش او را دوست داشته و مانند یک کودک لوس به او سرویس داده و از او مراقبت می‌کنند. آن ها عاشق گذران وقت در طبیعت هستند. تضادهای ذهنی زیادی دارند، گاهی ممکن است نسبت به یک فرد یا موضوع احساس خاصی داشته و در زمانی دیگر، به طور کامل به آن بی تفاوت باشند؛ ممکن است از کسی هم خوششان بیاید و در

عین حال نسبت به او بی علاقگی را نیز، حس کنند. آنان هم می‌توانند عاشق همه مردم باشند و در لحظه ای هم از همه متنفر. تغییرات احساسی برایشان عادی است و این احساسات متغیر خود را نیز، نشان می‌دهند. زیبایی را به خوبی درک و حس می‌کنند و به همین خاطر احساس نزدیکی زیادی به زنان و طبیعت دارند. تعریف کردن از زنان و انجام کارهایی که جامعه آن را زنانه می‌داند، برایشان عادی است. دیونوسوسی تمایلات جنسی شدیدی دارد و با روابط جنسی به دنبال نوعی تجربیات خاص و خلسه آور است؛ در واقع، انگیزه اصلی دیونوسوسی، تصاحب یک زن نیست بلکه، همان تجربه در لحظه برایش مهم است. احتمال خودکشی در این افراد زیادتر از بقیه است. افراد متاثر از آرکی تایپ دیونوسوس احساس وابستگی عمیقی به مادرشان دارند. آنها عاشق عاشق شدن هستند، و احساس می‌کنند زندگی عادی روزانه آنها را خفه کرده و همیشه به اینکه به جایی دور بروند، فکر می‌کنند. دیونوسوسی ها، اهل رقابت نیستند، چون دیگران را شایسته رقابت نمی دانند. دیونوسوسی ها، بیشتر کوشش می کنند کارها را به روشی غیر معمول انجام دهند. آنان در عین حال که خود را خاص و متفاوت از دیگران می‌دانند، از درون احساس پوچی و یاس فلسفی می‌کنند. پذیرش دیونوسوس یعنی پذیرش مرگ و رنج کشیدن. دیانوسوس خدای عاشقی کردن، از خود بی خود شدن و رنج کشیدن است و اگر به تعادل نرسد، ممکن است منجر به دیوانگی شود. دیونوسوس در کودکی دوست دارد لباس های دخترانه بپوشد و بازی هایی انجام دهد که از نظر جامعه دخترانه محسوب می شوند. او به رنگ‌ها و موسیقی علاقه مند است و دوست دارد تجربه های حسی زیادی داشته باشد. دیونوسوسی ها، کودکان متوقع و بازیگوشی هستند. واکنش پدر و مادر به رفتار دیونوسوسی باعث می‌شود او از خود تصویر مثبت یا منفی بسازد. پسران دیونوسوسی بیشتر به مادرشان شباهت دارند تا پدرشان و اگر یک مادر آتنایی و سخت‌گیر داشته باشند، از مادرشان نیز، دور خواهند شد. دوران نوجوانی برای دیونوسوسی‌ها دورانی بحرانی است. نوسانات عاطفی زیاد و گرایش به سمت تجربه هایی خطرناک مثل استفاده از مواد نیروزا و احساس گناه پس از سرکشی از موارد بحران‌زا برای آنهاست. با اینکه یک دیونوسوسی، مفاهیمی چون مفاهیم فلسفی را به خوبی درک می‌کند، ولی، به طور کلی درس خواندن و گرفتن مدرک تحصیلی برایشان اهمیتی ندارد. آن‌ها ترجیح می‌دهند بیشتر وقت خود را صرف تجربه های حسی و بی بند و بار کنند. کهن الگوی دیونوسوس با کار کردن جور در نمی‌آید. آن‌ها هیچ کاری را مناسب و لایق خود نمی دانند. از نظر یک دیونوسوسی دیگر افراد جامعه باید شرایط زندگی راحت آن‌ها را مهیا کنند. قدرت و شهرت یا موفقیت در مشاغل رقابتی جذابیتی برایشان ندارد. آن‌ها بیشتر در دنیای کار دچار مشکل می‌شوند و ترجیح می‌دهند وقت خود را در خانه بگذرانند. البته، برخی از آن‌ها نیز، می‌توانند در حرفه خود موفق شوند، به ویژه، در حوزه هایی خلاقانه مثل نویسندگی، نوازندگی یا بازیگری، حوزه هایی که بتواند بین استعدادهای خود و جنبه های تاریکش ارتباط برقرار کند. علاقه به عرفان و معنویت نیز، ممکن است آنها را به سمت عالم روحانی یا کشیش شدن بکشاند. میانسالی نیز، می‌تواند برای دیونوسوسی بحران ایجاد کند، به ویژه، اگر درگیر مواد نیروزا، الکل یا شکست های شغلی باشد؛ ولی، اگر بتواند تعهد و انجام کارهایی مفید و معنادار را به زندگی خود وارد کند، با پختگی روانی می‌تواند زندگی شاد و خلاقی داشته باشد. بسته به اینکه چگونه از بحران میانسالی عبور کند، پیری متفاوتی خواهد داشت؛ ممکن است هنوز درگیر مشکلاتی چون اعتیاد و مسائل مالی و کاری باشد، اگر ثروتمند باشد دوران پیری را با سرخوشی و با حالت های نوجوانی می‌گذراند و اگر حالت های دیونوسوسی به پختگی رسیده باشد، می تواند احساسات غنی را تجربه کند. مرد دیونوسوسی خیلی به ارتباط با همجنسان خود علاقه مند نیست، زیرا، با آنان احساس های مشترک زیادی ندارد، از این رو، ترجیح می دهد به طور انفرادی عمل کند تا اینکه عضو یک گروه مردانه باشد. با این حال با مردان هرمسی رابطه خوبی دارد و رابطه با مردان آپولویی که نقطه مقابل هم هستند نیز، برای هر دو طرف جذاب است. در اطراف مردان دیونوسوسی زنان زیادی هستند، زیرا، روحیات حساس و علاقه آنها به زیبایی، زنان را به سویشان جذب کرده و بیشتر به شکلی مادرانه از او مراقبت می‌کنند. دیونوسوسی به راحتی با زنان ارتباط برقرار کرده و حرفشان را به خوبی می‌فهمد، بین او و زنان رابطه ای بر پایه اعتماد و صمیمیت حاکم است. دیونوسوسی همسری می‌خواهد که همه چیز به او بدهد، ولی، چیزی از او نخواهد؛ زنی که هم مثل یک همسر و هم مثل یک مادر به او سرویس دهد، ولی، مزاحم فضای شخصی او نشده و انتظاری از او نداشته باشد. او نان آور قابل اعتمادی برای خانه نیست و حتی، از لحاظ احساسی نمی توان او را به خوبی پیش بینی کرد؛ در عین حالی که روابط جنسی برایش اهمیت دارد و انرژی روانی زیادی صرف آن می‌کند، گاه تمایل راضی کننده ای از خود بروز نمی دهد. یکی از نمادهای آرکی تایپ دیونوسوس کودک درون الهی است. او خودش کودکی است که توقع دارد دیگران به او سرویس دهند، بنابراین، نمی‌تواند به فرزندانش خیلی بپردازد. دیونوسوسی فردی بی ثبات است که نمی‌توان به او تکیه کرد، از این رو، فرزندانش نیز، بی اعتماد و بی ثبات خواهند شد. او نمی‌تواند مانند یک پدر سنتی رفتار کرده و نیازهای فرزندانش را از لحاظ مالی و اجتماعی برطرف سازد، ولی، گاهی می تواند رابطه ای صمیمانه با فرزندانش داشته باشد. از آنجا که کهن الگوی دیونوسوس به جای توجه و تمرکز به اهداف و آینده، در لحظه حال زندگی می‌کند، فردی که فاقد انرژی این آرکی تایپ باشد، نمی تواند از لحظه هایش لذت ببرد؛ چنین افرادی خشک و بی احساس هستند و احساس شادی و رضایت

ندارند. پرورش آرکی تایپ دیونوسوسی به شکل متعادل و به کارگیری آن در شرایط مناسب می تواند هیجان، احساس و شادی را به ویژه، به زندگی مردان بیاورد. برای بیدار کردن دیونوسوس تمرین هایی لازم است، نخست این که با زنان و افراد فراجنسیتی در ارتباط باشد، به حرف هایشان گوش کند، سعی کند درکشان کرده و با آن‌ها هم‌کلام شود. به خداوند ایمان داشته باشد و مطمئن باشد، خداوند خواسته های او را برآورده می کند و به نیازهایش پاسخ می دهد. به این فکر کند که هستی در دستان اوست و کائنات در تعادل با او شکل گرفته اند. بپذیرد که اطرافیانش می توانند عاشقانه به او خدمت کنند و او هم می تواند به آن‌ها خدمت کند. از دیدن طبیعت و آفریده ها به عنوان جریانی از زندگی لذت ببرد.

من که امروزم بهشت نقد حاصل می شود　　وعده فردای زاهد را چرا باور کنم

جنبه‌های منفی و روانی آرکی تایپ هادس و دیونوسوس

مشکلات کهن الگوی هادس با خیالبافی و درونگرایی او مرتبط است. او معمولا در جامعه و فرهنگی رشد می‌کند که با او بیگانه است و همین باعث می شود در دنیای کهن الگوی هادسی محبوس بماند. افسردگی و اندیشیدن به مسائل غیر قابل حل از جمله نکته های منفی این آرکی تایپ است. او در میان جمع هم گوشه گیر و ساکت بوده و توجه کمی را به خود جلب می کند.

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی　　دل بی تو به جان آمد، وقت است که دریابی

فرد هادسی، در برقراری ارتباط با دیگران توانایی کمی دارد و اگر نسبت به اطرافیان خود احساس عدم اعتماد کند به سادگی به دنیای درون خود پناه برده و تنهایی را انتخاب می‌کند. در فرهنگ جوامع امروزی که پیشرفت و موفقیت ارزشمند خوانده شده و پاداش به دنبال دارد، شخصیت هادسی بی ارزش شمرده شده و همین باعث می شود یک هادس تایپ اعتماد به نفس پایینی داشته باشد. اگر تنهایی و بی اعتمادی بر او مسلط شود، ممکن است واقعیت در ذهن او دچار تحریف شده و درک عینی درستی از وقایع و دنیای اطراف نداشته باشد. خواب آلودگی ممکن است نتیجه حضور سایه ها و خواب به زندگی آگاهانه هادس باشد. اطرافیان کسی که تحت تاثیر کهن الگوی هادس هستند، ممکن است از اینکه او انرژی کمی برای روابط و اطرافیانش می‌گذارد، احساس ناراحتی کنند. اطرافیان برونگرای یک هادسی درونگرایی و خلوت گزینی او برایشان آزار دهنده است. کهن الگوی دیونوسوس بیش از دیگران دچار مشکلات روانی می شود و حتی اطرافیانش را نیز، در معرض آسیب های روحی قرار می دهد. به خصوص اگر در جامعه ای باشد که بسیار خشک و اخلاقی است، فشار روحی زیادی بر او وارد خواهد شد. در جامعه ای که شباهت به دختران ضد ارزش به حساب بیاید یک پسر دیونوسوسی ممکن است با اعتماد به نفس ضعیف، بزرگ شود. او در عین حال خود را فردی خاص می داند و همین می تواند باعث شود یک اعتماد به نفس کاذب و احساسی دروغین از خود در او شکل بگیرد. او مایل است همیشه جوان بوده و زندگی خود را به خوشگذرانی طی کند. او مجبور است مدام با تضادها و تردیدهای درونی و احساسات متناقضی مثل هیجان و سردی، خواستن و نخواستن یا تامل و شتابزدگی مبارزه کند. ویژگی های متضاد او همیشه در حال مبارزه با یکدیگر هستند و رنج حاصل از آن، او را به سمت استفاده از الکل و مواد مخدر می‌کشاند. از نظر یونگ پیدا کردن راهی برای رسیدن به تجربه های معنوی می تواند این افراد را از مصرف الکل و اعتیاد به آن دور کند. در این افراد بیماری های روان تنی دیده می شود که نتیجه در برگرفتن کل وجود او توسط نشانه های دیونوسوسی است. فرد متاثر از آرکی تایپ دیونوسوس می تواند برای اطرافیانش نیز، مشکلاتی به وجود بیاورد. برای مثال، زنی که با مرد دیونوسوسی در ارتباط است، ممکن است به سمت مواد مخدر و الکل کشیده شود، به ویژه، اگر شخصیت بی ثباتی داشته باشد که زود تحت تاثیر دیگران قرار می گیرد. او همچنین می تواند موجب برهم خوردن رابطه زناشویی شده و در زندگی همسر خود آشوب ایجاد کند. مردان و زنان دیونوسوسی شاید نتوانند در نهایت مانند افراد عادی جامعه رفتار کنند، ولی، می توانند برای یک زندگی عادی، این کهن الگو را در خود تعدیل نمایند. افراد دیونوسوسی باید بتوانند احساسات خود را بدون قضاوت کردن بپذیرند. در عین حال باید شخصیت قوی داشته باشند تا در در مقابل افکار و احساسات خود زود تسلیم نشوند و مطابق آن‌ها عمل نکنند. پرورش کهن الگوهای دیگر می تواند به فرد دیونوسوسی کمک کند. بیدار کردن زئوس، یعنی آرکی تایپ پدر، به او از مراقبت از فرزندان و پذیرش تفاوتش با دیگران کمک می کند. کهن الگوی هرمس، که به معنای آرکی تایپ پیام آور است، به او کمک می کند تا بهتر با دیگران ارتباط برقرار کرده و درک کند احساساتش موقتی هستند. همچنین لازم است در هر فردی، در کنار کهن الگوی دیونوسوس که نماد نیمکره راست و احساسات است، کهن الگوی آپولو که نماد نیمکره چپ و تفکر منطقی است، رشد یابد. بیداری هر دوی این آرکی تایپ‌ها در کنار هم می تواند به روان انسان تعادل بدهد. عشق برای دیونوسوس خاص و مست کننده است و احساس یگانگی حاصل از آن، او را به معشوقش نزدیک می کند. لازم است یک دیونوسوسی عاشق، چاشنی تعهد را به رابطه عاشقانه خود اضافه کند.

عهد و پیمان فلک را نیست چندان اعتبار عهد با پیمانه بندم، شرط با ساغر، کی کنم

نتیجه

هادسی ها، مردانی اغلب عمیق و درخود فرو رفته اند، که گویی توجهی به بود و نبود دیگران ندارند و در تنهایی خود به افکار فلسفی می پردازند. این مردان تمایل چندانی به حضور در جمع ها را ندارند و احساس می کنند دیگران آن ها را درک نمی کنند. بسیار اهل مطالعه، به ویژه، مطالعه کتاب های فلسفی هستند ولی، علاقه ای به بودن در جمع و گردش و مسافرت ندارند. دیونوسوسی ها مردانی می باشند که در لحظه حال زندگی می کنند و توجه خاصی به زمان آینده ندارند، آنها غرق در احساسات متناقض خویش می شوند، گاهی شاد و گاهی به شدت غمگین می شوند. این گروه از افراد، خود را رها از دنیا و برنامه های آن می کنند و به فلسفه هرچه پیش آید، خوش آید، معتقد هستند. ممکن است زندگی معمولی خود را رها کنند و در طبیعت و به دور از انسان ها زندگی کنند. انسان ها از دنیای هادس می هراسند، زیرا، هادس بدون نقاب است و خود واقعی فرد را نشان می دهد. از طرف دیگر دنیای هادس دنیای ناشناخته ای است و هادس تایپ‌ها کمتر از تجربیات خود می گویند. هر کسی ممکن است در دوره ای بحرانی از زندگی اش مانند ابتلا به بیماری، از دست دادن و مرگ عزیزان یا اندوه های عمیق با الگوی هادس خود روبرو شود، ولی، آرکی تایپ هادس یا نگاه هادسی را بیشتر می توان در هنرمندان و نویسندگانی یافت که در دوره های افسردگی خود آثار عمیقی به جای گذاشته اند، مانند صادق هدایت، موتزارت یا ونگوگ. به طور کلی می توان گفت که آرکی تایپ دیونوسوس، عارف و عاشق است، به دنبال موسیقی، لذت و شادی و اهل خلسه و رهایی است و خیلی محتمل است که یک آواره سرگردان شود. او که غرق در زمان حال است، روحی لطیف و طبیعتی زنانه دارد. نتیجه اینکه بیداری متعادل کهن الگوی دیونوسوس می تواند به رشد احساسات و لذت از زیبایی در افراد کمک کند، ولی، اگر این آرکی تایپ بر فرد مسلط باشد، مشکلات فراوانی را به دنبال خواهد داشت. پس، هر فرد با شناخت کهن‌الگوهای خود و به تعادل رساندن آنها به راحتی می تواند بر رفتار خود کنترل داشته باشد، می تواند دریابد که در چه فعالیتی استعداد بیشتری دارد و در آن کار وقت بیشتری بگذارد یا تصمیم گیری های دقیق تری داشته باشد.

ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد

شناخت آرکی تایپ‌ها در ارتباط با دیگران نیز، به کمک فرد می‌آید. هر فرد با شناخت شخصیت خود و افراد دیگر می داند که چگونه با ایشان مواجه شود. نقد روان شناسانه با طرح مطالب درباه ناخودآگاه شخصی و جمعی، کهن الگوها، در ادبیات فارسی به نقد ادبی عمق و نوعی جنبه رازآمیز رخشیده است. اگر ادبیات محصولب ذهن انسان است، پس، برای مطالعه ذهن آدمی و فرآورده های آن، علمی مانند روانشناسی شایستگی بررسی آن را دارد. و کهن الگوهای ارائه شده به وسیله یونگ و بولن، کار فرمانروایی ذهن هر فرد را، بر رفتار و کردار او شایان توجه می سازند. شادی، نیمه .ج.د آدمی را برای زندگی بهتر، پررنگ میی کند. شاد باشید.

دیگران قرعه قسمت همه بر عیش زدند دل غمدیده ما بود که هم بر غم زد

اگر آدمی، واقع بین و شکیبا و آسان گیر و شاد باشد، می داند که رنج و شادی این سرای سپنج، تمام شدنی و خیر و شر آن ناپایدار است.

هنر دیونوسوسی نخستین بار در سده نوزدهم توسط فیلسوف آلمانی فریدریش نیچه در زایش تراژدی از آن یاد شده است. نیچه این اصطلاحات آرکی تایپ را در زیباشناسی وارد کرد. وی در طبقه بندی منحصر به فرد خود از اقسام هنری از اسطوره های یونان باستان وام می گیرد. دیونوسوس فرزند زئوس، خدای المپ، هست. نیچه در زایش تراژدی از اسطوره دیونوسوس، برای نشان دادن نیروهای حیاتی مفرط، پویایی، سرزندگی، تغییر و تحول، آفرینش و انهدام، تحرک، جنبش، ریتم، نشئگی و یگانگی استفاده می کند. وی در کتاب زایش تراژدی، می‌گوید: توسعه هنر، نتیجه تقابل دو عنصر متضاد آپولونی و دیونوسوسی در زندگی خلاق بشر است.

می خور که هر که آخر کار جهان بدید از غم سبک برآمد و رطل گران گرفت

منابع

بولن، جین شینودا، ۱۳۹۶، نمادهای اسطوره ای و روانشناسی مردان، مینو پرنیانی، انتشارات آشیان
بولن، جین شینودا، ۱۳۹۶، نمادهای اسطوره ای و روانشناسی زنان، مینو پرنیانی، انتشارات آشیان
بولن، شینودا، ۱۳۹۸، خرد خاص و جذاب بودن برای زنان در نیمه دوم عمر، مترجم حمید رطبی، ناشر بنیاد فرهنگ زندگی
یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۹۸، ناخوداگاه جمعی و کهن الگو، فرناز گنجی و محمد باقر اسمعیل پور، تهران: نشر جامی